

نشریه دانشکده
ادبیات
و علوم انسانی
دانشگاه تبریز
سال ۴۷، پاییز
۱۳۸۳
شماره مسلسل ۱۹۲

آشنایی با ادبیات اولیپو* (Oulipo)

دکتر محمد حسین جواری**

چکیده

در این مقاله می‌خواهیم علاقمندان به ادبیات غرب را با حرکت ادبی موسوم به اولیپو آشنا سازیم. این حرکت ادبی در کشور ما هنوز ناشناخته است و مطالب و مقالات کافی در مورد آن نوشته نشده است. با توجه به اینکه بیان گفتمانی‌های مربوط به ادبیات اولیپو در قالب یک مقاله امکان پذیر نیست سعی خواهیم کرد راجع به اهداف اولیپو، پیشتانزان، بنیان‌گذاران و ویژگی مهم آن سخن بگوییم؛ بدون اینکه از ارائه نمونه‌هایی از ادبیات اولیپو و تکنیک‌های نوشتاری آن غافل باشیم.

واژه‌های کلیدی: اولیپو، کارگاه ادبیات بالقوه، رمون کونو، قیود و الزامات

*- تاریخ وصول ۸۱/۱۲/۲۵ تایید نهایی ۸۲/۱۱/۹

** - استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز

معنی لغوی (OULIPO)

این کلمه خلاصه شده سه لغت فرانسوی است:

ou = ouvrir

Li = Littérature

Po = Potentielle

Ouvrir de Littérature Potentielle

ترجمه تحت اللفظی این کلمات به قرار زیر است: «کارگاه ادبیات بالقوه». برای ادبیات اولیپو دو هدف می‌توان در نظر گرفت: تحلیلی (Analytique) و ترکیبی (Synthétique). ادبیات بالقوه تحلیلی در جستجوی امکاناتی است که در نوشته‌های عده‌ای از نویسندگان وجود دارد؛ بدون اینکه این نویسندگان خود بدان آگاه باشند. اما ادبیات بالقوه ترکیبی که قسمت اعظم کارها را به عهده دارد عبارت از جستجو و کشف امکانات جدیدی است که برای نویسندگان قبلی ناشناخته مانده‌اند؛ یعنی ادبیات بالقوه ترکیبی می‌خواهد آن جنبه‌هایی از ادبیات را که هنوز کشف نشده و در پشت پرده باقی مانده‌اند، کشف نماید.

تأسیس و اهداف اولیپو

کارگاه ادبیات بالقوه^(۱) (اولیپو) را رمون کونو (Raymond Queneau) و ریاضی دانی به نام فرانسوا لئون (François Le Lionnais) در سال ۱۹۶۰ بنا نهادند. هدف اولیه کارگاه به کارگیری روشهای جدید در خلاقیت و آفرینش متون ادبی است. قسمت اعظم این روشها بر نظامهایی استوارند که منابع ریاضی را در آفرینش و خلاقیت متون ادبی دخالت می‌دهند. بازنویسی متن بر مبنای قوانین مشخص و با استفاده از متون ادبی موجود، تکرار یک متن توأم با تغییرات و استعمال حروف یا اعداد کلیدی همگی گویای نظامهای پیچیده‌ای هستند که با تلفیق اعداد و الگوهای هندسی، الزامها و قیودی^(۲) را برای اعضای اولیپو تحمیل می‌کنند. این الزامها و قیود چارچوب فعالیت‌های آنها را شکل می‌دهند.

رمون کونو علاقه وافری به زبان داشت و به فرانسه نوشتاری و محاوره‌ای اهمیت خاصی قائل بود؛ همچنین او به ریاضیات نیز علاقه‌مند بود و به همین جهت اثری به نام صد هزار میلیارد شعر^(۳) نوشت که متشکل از ده عدد Sonnet (نوعی شعر در فرانسه) بود، و هر بیت شعر آن روی یک باند کاغذی مجزا چاپ شده بود.

اگر با دید ترکیبی به مسئله بنگریم، هر بیت شعر مجزا می‌تواند در ده به توان چهارده (۱۰^{۱۴}) شعر وارد شود. هر Sonnet از چهارده بیت تشکیل شده است و چون رمون کونو ده Sonnet نوشته است و هر یک از ابیات آنها را در یک باند جداگانه نوشته، بنابراین احتمال ترکیبات مختلف این بیتها تا ده به توان چهارده (۱۰^{۱۴}) یعنی معادل صد هزار میلیارد شعر می‌رسد. وقتی که رمون کونو در برابر چنین عددی قرار می‌گیرد روحیه خود را از دست می‌دهد؛ چرا که ترکیب و تلفیق صد هزار میلیارد شعر کاری ساده به نظر نمی‌آید. در این موقع بود که فرانسوا لیون به کونو پیشنهاد می‌کند تا یک «گروه تحقیقاتی ادبیات تجربی» تشکیل بدهد؛ و بالاخره آلبر ماری اشمیت نام اولیپو را انتخاب می‌کند.

کونو می‌گوید که هدف اولیپو؛ تحقیق در مورد امکانات ادبی (ادبیات بالقوه) غیر از ادبیات موجود (ادبیات بالفعل) است. هر ادبیاتی از قوانینی تبعیت می‌کند؛ هر ادبیاتی دارای الزاماتی است، مثلاً شعر الکساندرین (Alexandrin) دوازده سیلاب دارد؛ شعر Sonnet از چهارده بیت تشکیل شده است؛ تراژدی کلاسیک از وحدتهای سه‌گانه تبعیت می‌کند و دانشمندان علم معانی و بیان همواره الزامات را بیشتر می‌کنند و بالاخره همه الزامات امری قراردادی هستند. با توجه به مطالب بالا، پروژه و اهداف اولیپو کشف ساختارهای جدید یا به عبارت دیگر الزامات جدید است. زیرا از طرفی، جستجوی ساختارهای جدید به ما امکان می‌دهد تا بتوانیم ادبیاتی بالقوه با تکیه بر موادی که در دسترس داریم مهیا سازیم؛ یعنی با تحمیل یک ساختار جدید به یک اثر قدیمی می‌توان به یک محصول جدیدی دست یافت. این محصول جدید به نوبه خود حایز ارزش ادبی مستقلی خواهد بود. از طرف دیگر، این ساختار جدید می‌تواند در خلق آثار کاملاً جدید کمک کند. در این جاست که ادبیات با تکیه بر قوانین، الزامات و ساختارها می‌تواند پتانسیل دوگانه فوق را داشته باشد.

حاکمیت قیود

ادبیات اولیپو، ادبیاتی است که تحت قیود و الزامات خاصی نوشته می‌شود، این الزامات و قیود می‌تواند مربوط به گذشته یا جدید باشد. وقتی در ادبیات اولیپو از الزامات و قیود بحث می‌کنیم منظور همان قیود صوری است که گاه اندکی سخت و گاهی بسیار سخت به نظر می‌آیند. این قیود در شکل‌های مختلف متجلی می‌شوند. گاهی می‌بینیم که نویسنده را در استفاده از حروف مقید می‌کنند و برای او محدودیت قائل می‌شوند (مثلاً عدم استفاده از «حرف e» در یک متن). گاهی ملاحظه می‌شود که با طول کلمات، با نظم کلمات یا با نظم حروف که همگی

مربوط به شکل متون هستند، سروکار داریم. این قیود اغلب مبتنی بر اصول ریاضی هستند اما می‌توان از موسیقی یا چیز دیگری نیز الهام گرفت. ما در این مقاله چند متن منتخب را که مربوط به ادبیات اولیو هستند ارائه می‌دهیم تا شالوده این نوع نوشتار برای علاقه‌مندان روشن گردد. البته ادبیات اولیو دارای محدودیت است، این نوع ادبیات قوانینی یا الزاماتی را تبیین می‌نماید ولی معیارهایی را ارائه نمی‌دهد تا بتوان یک الزام سخت و غنی را از یک الزام ساده یا ضعیف تشخیص داد.

نویسندگان اولیو دست به آفرینش متونی می‌زنند که تا به حال خلق نشده‌اند و آنچه در متون آنها نظر خوانندگان را جلب می‌کند مسئله آفرینش این نوع متون و یا به عبارت دیگر، فرایند شکل‌گیری این نوع متون است؛ اگر چه این نویسندگان مقید به رعایت الزامات و قیود هستند.

چرا قیود؟ چرا الزامات؟ چرا قوانین؟ می‌گویند که آفریدن نوشتار بدون قیود راحت‌تر از آفرینش نوشتار با قیود است. اما به نظر نویسندگان اولیو، وجود قیود نه حاکی از تنبلی و کم‌کاری نویسندگان و نه حاکی از فقدان تخیل است.

هر نویسنده اولیو بدون شک دلایلی دارد و از قیودی تبعیت می‌کند که خاص آن نویسنده است. همچنین همین قیود و الزامات به نوعی بازدارنده ارادی نوشتار هستند؛ زیرا سرعت حرکت قلم و یا تایپ کامپیوتری متن را کند و محدود می‌سازند. پس نویسندگان اولیو، قیود و الزامات را به عنوان اهرم توانایی برای تخیل می‌دانند؛ اهرمی توانا برای آفرینش شعر و متن.

البته آفرینش آثار اولیو که تحت قیود و الزامات خاصی صورت می‌گیرد، نوعی بازگشت به یک ایدئولوژی معانی و بیان است. وجود قید و الزام و به کارگیری آنها در آفرینش متن دلیلی بر بازگشت به معانی و بیان سنتی، یا کلاسیک نیست، ولی ریشه قید و الزام، در یونان باستان در افکار و نوشته‌های کانتیلیانوس^(۴) در مورد معانی و بیان یافت می‌شود.

رمون کونو و روش ریاضی

ژاک روبرو (Jacques Roubaud) در مجله نقد (Critique) شماره ۳۵۹ افکار

کونو را چنین مطرح می‌سازد^(۵).

پیشنهاد اول: برای کونو، ریاضی‌دان بودن مستلزم خواندن ریاضیات است.

پیشنهاد دوم: برای کونو، ریاضی‌دان بودن مستلزم دوست داشتن ریاضیات است.

پیشنهاد سوم: کونو در قلمرو ریاضیات، قلمرو ترکیبات مخصوصاً ترکیب اعداد طبیعی و اعداد صحیح را در رأس امور قرار می‌دهد. او به مسائل شمارش و اعداد نمی‌پردازد بلکه به ایجاد مستمر و متوالی حروف و کلمات به مدد شیوه‌ای غایتمند اهمیت می‌دهد. پیشنهاد چهارم: این ترکیب ریشه در سنت غربی دارد و قدمت آن به اندازه ریاضیات غرب می‌باشد.

پیشنهاد پنجم: طبیعت جملات پر از خلاءها و نگفته‌هاست و ترکیبات یا ساختار آنها از نظم پیچیده‌ای برخوردار می‌باشد و بیشتر از تداخل استفاده می‌کنند تا از متعدی و تبدیل عناصر تجزیه ناپذیر.

پیشنهاد ششم: طوری با زبان برخورد می‌کند که گویی زبان قابلیت تبدیل شدن به ریاضی را دارد. گویی زبان در یک مسیر کاملاً خاصی قابلیت ریاضی پیدا می‌کند. پیشنهاد هفتم: اگر زبان به وسیله ریاضی‌دان قابل دستکاری است دلیل آن این است که زبان قابلیت تبدیل شدن به ریاضی را دارد.

پیشنهاد هشتم: کار اولیپی ساده اندیشانه است.

پیشنهاد نهم: کار اولیپی سرگرم کننده است.

پیشنهاد دهم: کار اولیپی کار هنری و کارگاهی است.

پیشنهاد یازدهم: طرفداران و نویسندگان اولیپو در کارهای خودشان بیشتر پیشنهادهای هشتم، نهم و دهم را مد نظر قرار دارند.

پیشنهاد دوازدهم: اگر الزام اولیپی یک الزام خوب باشد الزامی ساده و منطقی خواهد بود؛ الزام یک اصل است نه یک وسیله.

پیشنهاد سیزدهم: کار اولیپی یک کار ضد تصادف یا غیر تصادفی است.

پیشنهاد چهاردهم: الزام در واقع بن مایه و مقدمه‌ای برای متن است.

پیشنهاد پانزدهم: نوشتاری که تحت الزامات اولیپی به وجود می‌آید معادل ادبی یک متن ریاضی است که بر مبنای روش زیر بنایی شکل می‌گیرد.
پیشنهاد شانزدهم: یک الزام ایده‌آل فقط می‌تواند متنی را بیافریند.

ژرژ پرک و ادبیات اولیپو

اولیپین‌ها آثار متعددی را به وجود آورده‌اند که امکان بحث از همه آنها در این مقاله مقدور نیست. بنابر این سعی خواهیم نمود تا با یادآوری آثار مشهور چند تن از این نویسندگان، اشاراتی به خلاقیت آنها نیز داشته باشیم^(۶).

بدون ش ژرژ پرک در عرصه رمان فرانسه کسی است که به راحتی موفق شد مسائل مربوط به قیود مختلف ادبیات بالقوه را با ضرورت‌های آفرینش رمان تلفیق دهد. با نوشتن زندگی طرز استفاده که در سال ۱۹۷۸ جایزه مدیسی (Médicis) را از آن خود کرد، پرک مهمترین اثر خود را به ما ارائه داد. این اثر بیشتر از دیگر رمانهای او جایگاه و محل تفاسیر متعددی بوده و در ۲۵ سال اخیر از آن خیلی یاد شده است^(۷).

برای اکثر خوانندگان، مرگ زودرس نویسنده و کیفیت آینه پردازی‌ها، نقل قولها و سایر ساختارهای موجود عوامل بزرگی در موفقیت این اثر در ابعاد مختلف شده است. همه این موارد خواننده را به قرائتی که توأم با تفحص است وامی‌دارد و به کشف نکات مبهم در اثر کمک می‌کند. اما تکثر شخصیتها و گرههای متن و عجیب به نظر رسیدن آنها و تکرار آگاهانه شخصیتها و روابط آنها با همدیگر در ساختمان پرجنب و جوش رمان جملگی در لذت قرائت متن مشارکت می‌کنند.

اصالت این رمان، علاوه بر فراخی و وسعتی که بیان کردیم، به اصول و شیوه روایی آن بر می‌گردد. این رمان یادآور زندگی و ماجرابی است که در یک خانه پاریسی در سالهای ۱۹۶۰ اتفاق افتاده و با نشان دادن مکرر تمام اتاقهای این خانه می‌خواهد داستانهای فردی و یا اجتماعی ساکنان این ساختمان را برای ما روایت کند. در روش و طرز نوشتار این اثر، قیود زیادی به چشم می‌خورند حتی تعداد فصلها و محتوای آنها تحت تأثیر همین قیود هستند.

اثر دیگر ژرژ پرک «ناپیدی» La Disparition (رمان مذکور به زبان فرانسه، در سیصد صفحه به چاپ رسیده است) نام دارد. این اثر نیز از آثار مهم پرک به شمار می‌رود، و

وقتی از پرک یاد می‌شود فوراً از این اثر او سخن به میان می‌آید. ویژگی مهم اثر حاضر عدم استفاده از حرف صدادار (e) می‌باشد. حرف صدادار (e) از جمله حروفی است که در زبان فرانسه استعمال زیاد دارد. این نوع نوشتار که لیپوگرام نامیده می‌شود پرک را به آثار اولیپو نزدیک‌تر می‌سازد. بی‌تردید در این نوع تقید و الزام نویسنده نمی‌تواند هر آنچه دلش خواست بگوید. پرک دنبال شکل و صورتهای پیچیده و مشکلی است و فعالیتهای اولیپو را جایگاه برتر آزادی برای تجربه کردن انواع قیود و الزامات می‌داند.

پرک آثار دیگری چون "La Voyage d' hiver" و "Ellis Island" را آفریده است که از قوانین اولیپو تبعیت می‌کنند.

ساختارها و تکنیکهای نوشتاری مربوط به اولیپو

نویسندگان اولیپو، در قالب قیود و الزامات، متون مختلفی را آفریده‌اند که در اینجا به ذکر چند نمونه از این متون اکتفا خواهیم نمود؛ بدون اینکه تکنیکهای موجود در آنها را فراموش کرده باشیم.

الف: لیپوگرام (Lipogramme):

نویسنده در متنی که می‌آفریند از استعمال یک یا چند حرف خودداری می‌کند. در لیپوگرام پایین از حرف "E" استفاده نشده است. نمونه متن به زبان فرانسه

Texte .

Mais pour un instant j'avais cru voir mon garçon, ma passion, saouïl, sans attrait, laid. Ça m'aurait pas plu, ayant un instinct aigu- au vrai un soif absolu - pour un brio mondain. Avoir l'air (ou, au monis l'illusion) d'un individu imposant, ultrachic, portant la sophistication, ça m'avait toujours satisfait, jusqu'à là.

Pourtant, quand on a un amour si fort qu'on n'aurait jamais l'impulsion d'ouvrir un portail pour partir, on doit souffrir d'obscurs tracés sans agitation-on suit son amour.

Puis, à la fin, tombant sur un hiatus, on voit sans complication un grand panorama frappant, pas asphyxiant ou suffocant, pas contraint

par un canon imparfait ou par d'insuffisants promis d'un rapport parfait-un vrai paradis.

On sait qu'on va mourir, l'amour aussi, alors on suit l'amour jusqu'à la mort.

ب: ایزوگرام، (Isogramme):

و آن عبارت از نوشتن دو متنی است که در آنها از حروف یکسان استفاده است؛ یعنی در هر دو متن حروف به طور یکسان تکرار شده‌اند؛ اما این دو متن هم از نظر معنی کاملاً با همدیگر متفاوت هستند و هم از نظر کلمات با هم تفاوت دارند. در متن پایین ملاحظه می‌کنیم که هر دو جمله به ترتیب همان حروف را تکرار می‌کنند ولی هر دو جمله ترکیب کلماتشان یکی نیست و بالطبع معنی یکی نخواهد بود. البته این الزام مشکل به نظر می‌آید و امکان ساخت یک رمان با تکیه بر این الزام امر ساده‌ای نمی‌باشد.

نمونه متن به زبان فرانسه

Texte.

Aujourd'hui la gégène rationne l'agit-prop, osant éventer les vers unanimes apeurés ... Pagnol!

Au jour d'huilage générationnel, agit, proposant d'éventer les vers, un anime (sapeur espagnol).

ج: C اس + ۷ یا (S + 7) (Substantif + 7)

الزام دیگری که بیشتر ژرژ پرک از آن استفاده می‌کند، عبارت از نوشتن یک متن بر مبنای متنی دیگر است. در این نوع الزام، با توجه به متن اصلی، هراسمی که در متن اصلی استفاده شده است به وسیله یک اسم دیگری جایگزین می‌شود اما شیوه انتخاب اسم دیگر به جای اسم واقع شده در متن اصلی بدین ترتیب است که فرهنگ لغت مورد دلخواه خود را باز می‌کنیم و اسمی را که در متن اصلی وجود دارد پیدا می‌کنیم و آن را به وسیله هفتمین لغت (اسم) بعدی که در فرهنگ لغت آمده است جایگزین می‌کنیم. این نوع الزام زیاد مشکل به نظر نمی‌آید ولی در اغلب اوقات نتایج مضحکی به جای می‌گذارد. برای مثال متنی که در پایین آمده است، بر مبنای متن اصلی تحت عنوان (La Marseillaise) نوشته شده و تمام اسمی این متن با هفتمین لغت بعدی که در فرهنگ لغت وجود دارد، جایگزین شده‌اند.

کسانی که با شعر (La Marseillaise de Rouget de Lisle) آشنایی دارند می‌توانند شعر تحول یافته زیر را که در آن تکنیک $S + 7$ بکار گرفته شده است به خوبی درک نمایند.

متن جایگزین شده با La Marseillaise

Texte.

Le Marteau

La Marseillaise

Allons enfilades de partron,
La jouvence de glorification est arrivée.
Contre nous de l'ubac.
L'éteuf sanglant est levé.
Entendez-vous dans nos campeurs.
Mugir ces féroces soles.
Elles viennent jusque dans vos brassards.
Egorger vos finages, vos comparateurs.

Aux armilles, citrouilles!
Formez vos batées!
Marchons, marchons!
Qu'un sang-mêlé impur
Abreuve nos simarres.

د: مونووکالیسم (Monovocalisme).

آن آفرینش متنی است که در آن فقط از یک حرف صدا دار استفاده شده باشد. این الزام، با توجه به حرف صدا داری که انتخاب می‌کنیم می‌تواند هم ساده و هم مشکل به نظر آید. برای مثال در متن پایین فقط از حرف صدا دار U استفاده شده است. و نمونه بارز مونووکالیسم می‌باشد.

Texte.

Duc pur, vu du summum d'un puy (Uluru):

Zut ! Putsch ! Punk du sud ! Pus ! Lupus!

Bru du duc :
Sur, jus du brunch bu ...

Duc pur,sur un mur dur :
Punk cucul ! ... tutu ? ... luth ?

Punk :
Cursus du kung-fu du sud !
Bru :
Truc ... un cru plus mur ... !
Duc :
Truc ... un tumulus d'humus d'un punk ... un cru dru, plus mur-
plus d'jus sur !

Punk :
Chut ! ... un fut du punch du punk-plus d'un jus sur ... duc plu ?
... nul humus d'un punk !

Drunk punks hurt trucks up Uluru-fun !

Fun ? Huh !

هـ: کروبول (Acroboule) :

این الزام از تلفیق یک (Acrostiche) و یک (Une boule de neige) حاصل می‌شود. آکروستیش نوعی شعر است که در آن اگر اولین حرف هر بیت را کنار هم بگذاریم، اسمی یا کلمه کلیدی از آن به وجود می‌آید. بنابراین قبل از تحریر آکروبول باید آکروستیش مشخص بشود تا بتوان بر مبنای آن شعر را به وجود آورد. برای اینکه مجموع اولین حرف هر بیت باید به ترتیب معرف آکروستیش باشد.
به نمونه زیر توجه فرمایید:

Bel		
Oubli	Niant	
Une	Existence	Fragile

273 آشنایی با ادبیات اولیپو (Oulipo)					
L'		Ole		Anonyme	
	Xanthique				
Egalement		Gardienne		Usitée	
D'		Exil			
Eternel ?					
Boule de Neige ? Faux					
Avec					
Cainte	on				
Reste	Une	Eternité			
Oscillant	Imbibant	Nous	Avons		
Su	Comment	Produire	Un	Idéal	
Tellement	Eloignée	La		Notion	Est
Eperdue					
Ici	Seulement	Un	Espoir	Bizarre	
Demeure Illico					
Calme Tranquille	Sans	Vie	Où	Est	
Grande Espérance?					
Harmonie?	Ciel?	Olympe?	Réalité?	Un	
Nouvel Elan Mondiale?					
Ensemble	Avec	Nos	Ames	L'	
Eblouissement Devrait Ouvrir					

Acrostiche? Oui, c'est ça. En puls. On a une vraie bule de neige de mots ...

روشها و مدل‌های دیگری نیز وجود دارند که اعضای اولیپو آنها را برای تولید متن به کار می‌گیرند. به دلیل الزامی که در رعایت طول مقاله داریم، نمی‌توانیم از تمام تکنیک‌های نوشتاری نویسندگان اولیپو سخن بگوییم در این فرصت فقط به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

ترکیبات یا رجند در ریاضیات (Combinatoire)

بحث ترکیبات در ریاضیات از مقوله‌های بسیار مهم است. ترکیب، تبدیل و ترتیب همگی از قوانین و الزامات و قیود خاصی تبعیت می‌کنند. برای روشن شدن مسئله به چند نمونه اشاره

می‌کنم. سعی می‌کنم با مثالهای ساده و بدون استفاده از فرمولهای سخت ریاضی و ترکیبات مسئله را بیان کنم.

مثال اول:

از مجموعه کتابهای (آبی - قرمز - سبز) می‌خواهیم دو عدد آن را به یک نفر اهدا کنیم چند نوع انتخاب می‌توانیم داشته باشیم.

انتخاب اول: آبی - قرمز

انتخاب دوم: قرمز - سبز

انتخاب سوم: آبی - سبز

طبق سؤال بالا اگر بخواهیم دو کتاب از سه کتاب را به یک نفر اهدا کنیم سه انتخاب خواهیم داشت.

مثال دوم:

حالا اگر بخواهیم دو کتاب از سه کتاب را (آبی - قرمز - سبز) به دو نفر اهدا کنیم همان سه ترکیب بالا برای شخص دوم هم صادق خواهد بود و در واقع امکان شش ترکیب وجود دارد.

$$(2 \times 3 = 6)$$

مثال سوم:

در انتخاب سه شیء از پنج شیء در مجموعه کتابهای (A.B.C.D.E) چند نوع انتخاب داریم؟ در این مورد نیز قید و نوع الزام مهم است. اگر انتخاب ما بدون تکرار و با جای گشت باشد تعداد ترکیبات ما به شصت ۶۰ خواهد رسید. (۵×۴×۳=۶۰) ولی اگر انتخاب ما با تکرار و با جای گشت باشد حدود صدویست و پنج ترکیب خواهیم داشت. (۵×۵×۵=۱۲۵)

مثال چهارم:

با سه عدد ۶ و ۵ و ۴ چند عدد سه رقمی می‌توان ساخت. اگر انتخاب ما بدون تکرار باشد ۶ شش ترکیب ممکن است ولی اگر انتخاب ما با تکرار باشد ۲۷ ترکیب ممکن است.

مثال پنجم:

با یک شماره تلفن شش رقمی از یک تا شش (۱,۲,۳,۴,۵,۶) چند شماره می‌توان ترکیب کرد. با جای گشت و با تکرار به تعداد زیر امکان ترکیب وجود دارد.

$$(6 \times 6 \times 6 \times 6 \times 6 \times 6 = 14688)$$

ترکیبات در زبان

ولی همین ترکیبات را اگر در حروفات به کار بگیریم چه مبنا و معیارهایی حاکم هستند؟
مثال: از چهار حرف (ا - ب - ر - و) چند کلمه دو حرفی می‌توان با جای گشت و بدون
تکرار ترکیب داد که دارای معنی باشند.
در این مسئله نوع الزام و قید عدم تکرار و وجود معنی است. بنابراین ترکیبات زیر ممکن
است:

اب - بر - رو - با - وا - بو - رب - ربّ - ار - ور - وب تا جایی که بنده اطلاع دارم تمامی
این کلمات در فرهنگ‌های فارسی موجود و دارای معنی می‌باشند.

در تفکر نویسندگان اولیپو ادبیاتی جز ادبیات ترکیبی وجود ندارد و ادبیات فقط در قالب
زبان متجلی می‌شود و هدفی که در زبان بیان می‌شود نتیجه ترکیب عناصر زبانی است.
همچنان که این ترکیب در ریاضیات نتیجه عناصر ریاضی می‌باشد. در واقع تحقق یک جمله
منوط است به مجموعه ترکیبهای ممکن که در آن الزامات و قیود گرامری رعایت شده باشد.
برای مثال: آغاز اثر مشهور مارسل پروست (در جستجوی روزگار از دست رفته) با عبارت
زیر شروع می‌شود:

"Longtemps Je me suis couché de bonne heure."

این عبارت مرکب از ۳۵ حرف یا نشانه است و اگر فاصله‌های بین کلمات را نیز در نظر
بگیریم در نوشتار کامپیوتری مرکب از ۴۲ خواهد بود.

حالا اگر روی صفحه حروف کامپیوتر، بدون در نظر گرفتن سایر نشانه‌ها و دگمه‌ها
فقط ۲۶ حرف زبان فرانسه را در نظر بگیریم و دگمه «فاصله» (espace) را نیز به آنها
اضافه نماییم در واقع ۲۷ نشانه در نظر بگیریم و از یک میمون که کمی آموزش دیده
بخواهیم که جمله فوق مارسل پروست را تایپ نماید، احتمال اینکه این میمون بتواند
جمله بالا را تایپ کند در ۲۷ به توان ۴۲ فقط یک شانس یا احتمال هست که این جمله
بالا توسط میمون ترکیب و تایپ شود.

نتیجه می‌گیریم که ترکیب و تولید متن در ادبیات امری ارادی است و ادبیات ترکیبی نیز
ادبیاتی ارادی است و عقلانیت و منطق در آن حاکم است. در قیاس اعداد ریاضی با حروف در

ادبیات، ما با چه چیزی مواجه هستیم؟ منطق ریاضیات در ترکیبات، منطق اعداد و محاسبات است ولی منطق ترکیبات حروف در ادبیات، الزامات و قیود معنی است و نحو و محتوا در آن تأثیر دارند. هر انتخابی از حروف کلمه نیست. هر ترکیبی از حروف معنی ندارد. پس باید بدانیم چه انتخابهایی کلمه هستند. برای هر زبان و ادبیاتی، لغتنامه آن زبان پایه انتخاب کلمات است و بالاخره تقدم قیود و الزامات گرامری و ترکیب است که مبنای ترکیب است.

اولیو یا نوشتار یأس و ناامیدی

عده‌ای از نظریه پردازان، بازگشت به قیود و الزامات موجود در نوشته‌های اولیو را به تاریخ سیاسی و اجتماعی و تاریخ افکار مرتبط می‌سازند و از سرگیری نوشتار توأم با تقید و الزام را در ارتباط با فاجعه و بحران زبان شناختی که از کشتارهای دسته جمعی یهودیان در جنگ دوم ناشی شده است، قرار می‌دهند.

در نظر آنها بعد از این کشتار امکان از سرگیری معصومانۀ رشته کلام ناممکن به نظر می‌آید. بنابر این پیدایش نوشتار توأم با الزامات و قیود سؤالی برای امکان و مشروعیت نوشتار بعد از مرحله یأس و ناامیدی است. این نوع نوشتار جواب اولیه‌ای به بحران فلسفی زبان می‌باشد و می‌تواند به عنوان شرط امکان هر نوشتار بعدی تلقی شود. نویسندگان اولیو این حرکت را که در قالب نوشتار «لازاری»^(۹) (Lazaréenne) درک می‌شود به لذت ریاضیات مرتبط می‌سازند.

با این فکر که ادبیات می‌تواند از ساختارهای ریاضی کمک بگیرد، احتمالاً در اینجا علائم عدم و یا ضعف اطمینان به قدرتهای زبان طبیعی ملاحظه می‌شود گویی که فقط عقلانیت‌های جزئی و انسجام‌های ویژه (مثل انسجام ریاضی) وجود خواهند داشت؛ و اثر یک شکل صوری به خود می‌گیرد که آفرینش آن باید همواره از سر گرفته شود زیرا که هیچ عقلانیت کلی هرگز به دست نیامده است. نوشتار اولیو از فقدان و تنگدستی ناشی می‌شود.

آلامو (Alamo) گامی فراتر از اولیو

آلامو علامت اختصاری «کارگاه ادبیات با استفاده از ریاضی و کامپیوتر»^(۱۰) می‌باشد که در سال ۱۹۸۱ توسط ژاک روبرو و پل برافور به وجود آمد و در سال ۱۹۸۲ در جریان یک گردهمایی رسمیت پیدا کرد. آلامو شاخه‌ای از اولیو است که خود نویسندگان اولیو، سایر نویسندگان، اساتید و محققین رشته زبانشناسی و هوش مصنوعی را به خود جذب نمود. البته

ادبیات اولیپو که می‌خواست آثاری تحت الزامات و قیود به وجود بیاورد از سال ۱۹۷۷ به بعد از رایانه برای آفرینش‌های ادبی استفاده نمود. اما چون چشم‌اندازها و راه‌هایی که با استفاده از رایانه مهیا شده بود از برنامه‌ها و پروژه‌های نویسندگان اولیپو پا فراتر گذاشت، تأسیس آلامو در جهت روشن ساختن اهداف امری مفید بود و در واقع ویژگی گروه آلامو این است که می‌خواهد خلاقیت ادبی را که به وسیله رایانه عملی می‌شود، پیشاپیش بر مبنای تحلیل مکانیزم‌های زبانشناختی، متنی، ادبی و الگاریتمی که در قلمرو زبان، آفرینش هنری را هدایت می‌کنند، مبتنی سازد. به عبارت دیگر آلامو می‌خواهد به ابزاری مسلح بشود که بتواند به‌وسیله آنها اسکلت برنامه تولید اتوماتیک متون ادبی را مهیا سازد. و در این راستاست که محققینی چون پالاپ (Palap) حرکت می‌کنند.

پس مهم‌ترین فعالیت‌های آلامو که خیلی پیچیده به نظر می‌آید، تولید متن ادبی به کمک رایانه است. تولید اتوماتیک متن به گونه کاملاً جدیدی مسئله روابط بین نویسنده و اثر را مطرح می‌سازد. آلامو برنامه‌های مختلف تولید متن را طراحی می‌کند. این برنامه‌ها را لیتراسیل (Littéraciels)^(۱۱) نام گذاشته‌اند و هدفش این است تا امکانات رایانه‌ای را در خدمت آفرینش متن بگذارد. مثلاً برنامه‌هایی برای تولید و آفرینش متون نمایشنامه یا برنامه‌هایی برای آفرینش داستان کوتاه طرح می‌کند. در این احوال، ماشین به عنوان عامل علمی برتری تلقی خواهد شد که قابل تلفیق با تئوری و عملی آفرینش ادبی خواهد بود.

نتیجه: آیا اولیپو واقعاً ادبیات می‌آفریند؟

آیا کار نویسندگان اولیپو در قالب هنر جای می‌گیرد؟ سؤالی است که قابل بحث است. ما قبول داریم که ادبیات با غایت و هدفمندی زیبایی شناختی خود تعریف می‌شود و زیبایی‌شناسی به واسطه رابطه‌ای که با امر زیبا دارد، تعریف می‌شود. اما هدف اولیپو چیست؟ اولیپو نمی‌خواهد ادبیات بیافریند بلکه می‌خواهد قیود و الزاماتی به وجود آورد که از آن ادبیات آفریده می‌شود. پس ادبیات اولیپو وقتی تحقق پیدا می‌کند که الزامات و قیود به کار گرفته شوند و امر زیبا در ادبیات اولیپو در پای‌بندی به این الزامات و قیود تعریف می‌شود.

۱- Ouvroir de Littérature Potentielle

۲- «الزامها و قیود» ترجمه لغت "Contraintes" در زبان فرانسه می‌باشد.

۳- Cent mille milliards de poèmes

۴- کانتیلیانوس، "Quintilien"، نویسنده و عالم معانی و بیان که در قرن اول می‌زیسته

است.

۵- نگارنده این مقاله، هیجده پیشنهاد ژاک روبو را که در مجله نقد در شماره ۳۵۹ به

چاپ رسیده، از سایت اینترنت قسمت اولیپو (Oulipo) استفاده نموده است.

۶- در اینجا به چند نمونه از آثار اولیپو اشاره می‌کنیم. ژرژ پرک در سال ۱۹۷۵

«ناپیدی» را (La Disparition) منتشر می‌کند و در سال ۱۹۷۸ رمان دیگری تحت عنوان

«زندگی طرز استفاده (La Vie mode d'emploi) را می‌نویسد که هر دو از

الزامات و قیود اولیپو تبعیت می‌کنند. پل فورنل (Paul Fournel) در سال

۱۹۷۷ «کلیدهایی برای ادبیات بالقوه» را منتشر می‌کند و «قصر سرنوشت‌های

مقاطع» را به چاپ می‌رساند. (Le Château des destins croisés) باید

افزافه کرد که همه اعضای اولیپو به نحوی با خلق آثار متعدد در تداوم حرکت اولیپو مشارکت

می‌کنند که امکان نقل آنها در اینجا امکان پذیر نیست و در مقالات بعدی به آنها پرداخته

خواهد شد.

۷- برای توضیح و تفسیر بیشتر در مورد «زندگی طرز استفاده» مراجعه کنید به اینترنت

که آدرس دقیق آن در شماره ۳ فهرست منابع این مقاله درج شده است، در این آدرس،

نویسنده به تحلیل این رمان می‌پردازد و از دیدگاه معنا شناختی به متن می‌نگرد.

۸- در زبان فرانسه معادل نوشتار یأس و ناامیدی (Ecriture de désastre) می‌باشد.

۹- ادبیاتی که حاکی از حبس و زندان و قید باشد، مبین ادبیات لازاری است و اولیپو هم

در این مورد با لازار در یک ردیف قرار می‌گیرد.

۱۰- آلامو یا «کارگاه ادبیات با استفاده از ریاضی و کامپیوتر» به زبان فرانسه چنین

است:

"Atelier de littérature assistée par la mathématique et
l'ordinateur"

۱۱- لیتراسیل (Littéraciels) مسلماً به تبع از لغت " Logiciels ساخته شده

است.

- Bens Jacques ; *Oulipo 1960-1963*, Christian Bourgeo 1980.
- Burgelin Claude, *Georges Perec*, Seuil, Les Contemporains, 1990.
- Fournel Paul; *Clefs pour la littérature potentielle*, Denoël, 1972.
- Magné Bernard,
"Esquisse d'une typologie de la littérature combinatoire"
<http://perso.club-internet.fr/magneb/professionnel/typologie-combi/typcombi-html>
- Reggiani Christelle,
"La rhétorique de l'invention de Raymond Roussel à l'Oulipo"
<http://www.fermigier.com/reggiani/resume.html>
- Oulipo, Estelle Souche et Philippe Bruhat,
<http://eclia5.cc-Lille.fr/~book/oulipo/info/membres-Cv.shtml>
- Souchier Emmanuël *Raymond Queneau*, les contemporains, Seuil, 1991.
- Pul Broffort. "Oulipo et potaphysique" *Magazine Littéraire*, N 338, Juin 2000, pp. 57-59.
- Mémoire de licence sur *La Vie mode d'emploi* de Georges Perec,
<http://www.geocities.com/Paris/Jardin/7234/AnalysePerec>.
- Rabriquer: Oulipo, Alamo, CD.Rom, *encyclopaedia Universalis*, France 1997.